

بررسی حکمت معنوی تزیینات و عناصر معماری ایرانی - اسلامی در مساجد (نمونه مورد معماری مناره، گنبد، محراب و تزیینات مساجد)

هادی واصفی^۱ و فاطمه شکاری^۲

^۱ معاونت پژوهشی ناحیه یک آموزش و پرورش زاهدان (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد فن آوری و برنامه ریزی نیروی انسانی ناحیه یک آموزش و پرورش زاهدان

چکیده

بناهایی که به دست انسان ساخته میشود جلوه‌هایی از نگرش او به جهان هستی است که مبین قوه فکری و ساختار فرهنگی - اجتماعی افراد آن جامعه است. این برداشت که، معماری می‌تواند دیدگاهی طبیعی یا مافوق طبیعی داشته باشد در هر حال خارج از تأثیر محیط اطراف و اقلیم جغرافیایی انسان نیست، لذا در بررسی معماری یک بنا، ابتدا باید جهان و جهان‌بینی سازنده آن بنا را مورد کنکاش قرار داد تا بتوان افکار و عقاید او را در حجمی از آرایش فضا مشاهده کرد. معماری سنتی ایران، تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای بالاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند؛ معماری ایران که به صورت‌های گوناگون در بناهای مختلف متجلی گشته، جایگاه خاصی را داراست که در آن، عقاید و رسوم و آئین‌ها در شرایط جغرافیایی و اقلیمی نمود بارزی دارد و حاصل دسترنج هنرمندانی است که برای اعتلای این هنر با تکیه بر ایمان خویش، از جان خود مایه گذاشته و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند. لذا با توجه به مطالبی که بیان گردید در اهمیت معماری سنتی در این پژوهش هدف ما بررسی این رابطه معماری سنتی و حکمت آن می‌باشد تا از این رو جلوه‌گاه هنر معماری سنتی بیان شود. بنابراین در این مجال ما به بررسی معماری سنتی گنبد، مناره، محراب و تزیینات در مساجد ایران پرداخته ایم و پیوند این معماری را با حکمت اسلامی و معنا بخشی آن به سایر عناصر معماری مساجد و سایر بناها دیگر بیان میکنیم روش گرد آوری به صورت مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده و با توجه به داده‌ها و اطلاعات موجود به تحلیل و توصیف آن در جهت رسیدن به نتیجه مطلوب می‌باشد. نتایج حاصل بر پربار بودن و معنای فطری و الهی مساجد و معماری آنها می‌باشد که هر کدام زبان گویایی از هنر و تجلی فرهنگ غنی دینی و معنوی معماری ایرانی اسلامی است. در این پژوهش سعی بر آن داریم تا نخست به سوالاتی چون: ۱- فضاهای سنتی مساجد و نمادهای آن چگونه با حکمت معنوی پیوند ایجاد کرده است؟ ۲- حکمت پیوند خورده با معماری تجلی گر چه معنای می‌باشد؟

واژه‌های کلیدی: معماری سنتی، حکمت، هنر، مسجد، گنبد، مناره، محراب

مقدمه

در گستره فرهنگی پس از اسلام، هنرمندان مسلمان برای انتظام دادن به فضاهای خود از معماری بهره جستند و سعی نمودند مکان هایی را بوجود آورند که کلام خداوند در آن منعکس شود و انسان با قرارگیری در آن فضاهای قدسی که متناسب و هماهنگ با نیات و ابعاد انسانی از فضای مادی به بعد طبیعی خود عروج کند معماران مسلمان در این دوره ضمن بهره گیری از معماری موجود، شالوده های معماری مسلمانان را در ترکیبی از معماری گذشته و فرهنگ اسلامی شکل دادند. یکی از عناصر موثر در شکل گیری مساجد در دوران مختلف که تحت تاثیر مفهوم توحید قرار گرفته، گنبد است. یک عنصر این عنصر با نقش بارز خود در زمینه شکل دهی مفهوم و نمادین به ایجاد مرکزین در بنا مساجد، وظیفه خود را به خوبی ایفاء نموده است در رابطه با ضرورت موضوع باید عنوان کرد که اگر این عوامل را در نظر نگیریم و به بیانی دیگر بنا را بدون توجه به شاخص های اعتقادی بر پا سازیم تفاوتی میان معماری یک فرد مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد یعنی هر دو نوع معماری تنها از یک سری اصول و قواعد تبعیت می کنند در صورتی که این امر مغایر با منش مورد انتظار مکتب اسلام از معماری مسلمان است. موضوع مطرح شده در اسلام این است که باید تمام عناصر همواره ما را به یاد خدا بیندازد. معماری نیز باید در مقام خود این نقش را ایفاء نماید. در صورت مغایرت با این امر است که ارزش های موجود در معماری به زیر سوال خواهد رفت. (بمانیان و دیگران ۲۰۱۳۹۰)

در تحقیقات پیرامون این محور، علیزاده بیرجندی (۱۳۹۲) بیان می کند مهمترین شاخصه معماری اسلامی، منابع الهام آن است، این الهام بازتاباننده غنای محتوایی معماری اسلامی و عامل انتقال پیام هنری به مخاطب است علاوه بر آن بلخاری قهپی در باره هویت معماری در مقاله ای تحت عنوان هویت معنایی و معنوی معماری (۱۳۹۰) بیان می کند بنا دارای سه ساحت است: ساحت اول نوعی سرپناه است در جهت حفظ و امنیت انسان در برابر گزندها. ساحت دوم ساختمان است که در آن علاوه بر کارکردهای مورد نیاز، عناصری از زیبایی شناسی و امنیت روانی ظهور می یابد. ساحت سوم معماری است یعنی بنایی که در آن معنا مقدم بر فرم است و به یک عبارت در معماری، معانی و مفاهیم صورت تجسمی می یابند. بنابراین معماری زبان و بیان معانی و مفاهیم است و به همین دلیل دربر دارنده هویت و فرهنگ یک ملت و تمدن. از گویاترین و زیباترین زبان های بصری و تجسمی تمدن ایرانی - اسلامی، معماری است

هدف اصلی از بررسی موضوع مقاله حاضر با استناد به اهمیت توحید در اسلام به دنبال حکمت معماری گنبدها، مناره، محراب مساجد در جهت دریافت و فهم کیفیت و چگونگی تاثیر این مهم در معماری اسلامی به عنوان هدف اصلی و به صورت نمونه موردی در نقش گنبد به عنوان شاخصه اصلی مساجد بررسی شده است تا از این رو به سوال پژوهش پاسخ داده شود که آیا بین معماری اسلامی و حکمت اسلامی رابطه معناداری در شکل دهی گنبد وجود دارد و ارتباط گنبدها، مناره، محراب در دوره های مختلف به دنبال حکمت اسلامی و تجلی و به بروز در آوردن اسلام و مفاهیم اسلامی بوده است؟

بیان مساله:

هنر اسلامی، حاصل نهادینه شدن ایمان دینی و الهام اسلامی در جان و دل هنرمند مؤمن و مسلمان است. باید توجه داشت که در این وادی مهمترین چالش جدی بر سر راه این هنر در هر کشور، جدا شدن از هویت ارزشی آن کشور میباشد. از مهمترین تأثیرات هنر اسلامی بر هنر سایر ملل از جمله کشور ایران، تغییر و دگرگونی فضاها و آرایه ها میباشد. این تحول در تمامی هنرهایی که با نقش و نگار سروکار داشته اند نمود پیدا کرد. یکی از نکات ظریف در این حیطه که کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که: ایرانیان به تنهایی تحت تأثیر مطلق هنر اسلامی قرار ننگرفته اند؛ بلکه به صورت هوشیارانه از این هنر در جهت نیل به اهداف خود استفاده نمودند. ایرانیان با ذکاوت به درستی قدرت گسترش اسلام را درک کرده و کوشیدند تا از طریق پذیرفتن اسلام، فرهنگ پیشرفته و قوی خود را گسترش دهند همچنان که در معماری ایران که به عنوان زیر شاخه هنر اسلامی مطرح میباشد. با ورود اسلام الگو تغییر نکرده و به سایر ملل اسلامی نیز صادر گردید. در اینجا میتوان به تبدیل چهارطاقیها به چهارایوانی اشاره نمود. معماری مساجد ایران، سراسر طرحهای اسلیمی، هندسی و خوشنویسی است. کتابت قرآن کریم با زیباترین خطوط، به

عنوان آرایه مساجد مطرح می‌باشد و بدین ترتیب، قرآن سه بعدی شکل می‌گیرد، این تزیینات جایگزین سرستونهای ایرانی با تندیس حیوانات قوی الجثه گردید؛ زیرا به لحاظ ملاحظات دینی این آرایه ها دیگر در ساختمانهای اسلامی جایگاهی نداشتند. ایرانیان از دیر باز شیفته هنر قدسی بودند با ورود اسلام به ایران، تحت تاثیر این شیفتگی، به تدریج در آفرینش هنرهای اسلامی از سایر ملل پیشی گرفتند، ترکیب عشق ایرانیان، دقت و ظرافت آنان با معنویت اسلام باعث تجلی باشکوه هنر اسلامی در این سرزمین گردید. هنر اسلامی، هنری است انتزاعی ووظیفه آن انتقال مفاهیم غیر فیزیکی و معنوی می‌باشد.

مهمترین شاخصه معماری اسلامی منابع الهام آن است. در بناهای چون مساجد عناصر معماری در برگیرنده این معانی می باشد که جنبه مفهومی را در بنا ایفا می کند از جمله این عناصر گنبد، مناره ها، محراب و تزیینات می باشد که با حکمت معنایی فضای معماری پیوند خورده است از این رو در مقاله فوق به این رویداد و عناصر آن در کالبد مساجد پرداخته شده است تا مسائل پیش روی این موضوع در باره معماری سنتی و پیوند آن با حکمت بیان گردد.

اهمیت موضوع تحقیق:

با توجه به اینکه عناصر معماری در شکل اصلی بنا اهمیت دارد در بناهای سنتی این اهمیت همراه با معنا بوده است یعنی هیچ بخشی بدون معنا و مفهوم ساخته نشده است و همراه با حکمت وحدت و کثرت در بناهای مذهبی چون مساجد بوده است. در این پژوهش پرداختن به این عناصر اهمیت موضوع تحقیق می باشد و پیوند حکیمانه این عناصر با هم جز اصلی و هدف تحقیق است.

اسلام و معماری مسجد:

هنر اسلامی جوهره خود را از جهان بینی اسلامی کسب م یکنند و در پی معنویت بخشیدن به زندگی انسان است که این مهم در معماری به ویژه معماری مسجد به نحو احسن فراهم می آید. چراکه بناهای دیگر درباره مسائل مادی است، در حالی که بنای مسجد، ماده و فضای مادی را در خدمت می گیرد که به خلق فضای روحانی بپردازد و در این معادله تبدیل فضای مادی به فضای روحانی، تنها اکسیر مؤثر، ایمان و خلوص سازندگان این فضا است. چراکه خالق چنین فضایی مسجد را محل سجده در پیشگاه عظمت خداوندی می داند و به ارزش و منزلت آن به عنوان عبادتگاهی که متضمن رشد و تکامل انسان است، وقوف دارد. دنیايشگا هها برترین نوع معماری بشر در طول تاریخ بوده اند که بر اساس معیارها و مفاهیم جهان خلقت ساخته شده اند و تجلی گاه تفکرات و احساسات ناب انسانی بوده اند و در آن به اصلی ترین نیازهای معنوی انسان پرداخته شده است. هنرمند مسلمان نیز با اساس قراردادن هنر خود بر پایه اصل توحید می کوشد تا این حقیقت متعالی را در آثار خود جلوه گر سازد. چنانچه در معماری به ویژه معماری مسجد هماهنگی کل بنا و یگانگی میان اجزای ساختمان و فضای ایجاد شده از بارزترین نمونه های آن است. (محمدی ۱۳۹۳: ۸)

عناصر معنادار معماری سنتی مساجد:

در: اولین عنصر ساختاری در بدو ورود به مسجد «در» می باشد و مفهوم نمادین آن، راهی است که به ملکوت خداوند گشوده می شود. الگوی کیهانی "در" که در اصل گذرگاهی است برای رسیدن از جهانی به جهان دیگر، بیش تر از مقوله "زمانی و دوری" است؛ از این رو، درهای آسمان؛ یعنی درهای انقلاب شمسی، درهای گشوده بر زمان یا انقطاع های دوری. در اصطلاحات عرفانی "در" نمودی از مطالعه و محو اعمال گذشته و تکاپو در سیر به سوی خداوند و تمکین از احکام سلوک و ایثار در راه محبوب است. باب الابواب نیز در تعبیر عرفانی به معنای توبه می باشد؛ زیرا توبه، نخستین چیزی است که انسان به وسیله آن وارد در قرب کبریایی میشود. بارسیدن وقت نماز هر کسی از هر صنف و طبقه ای به آن وارد می شود و این مدخل نماد باند حرکت از کثرت به وحدت است.

هشتی مسقف ورودی، محلی تاریک است که ناگهان چشم نمازگزاران را از روشنی به تاریکی می رساند. این فضا به لحاظ هندسی، منظم و مرکزگرا می باشد و نمازگزاران را به مکث فرا می خواند. تاریکی فضای هشتی به همراه فضای روشن بیرون در قدرت بینایی و ادراک، مکث و وقفه ایجاد می نماید. اگر از پشت سر خویش به درگاه نظری بیاندازیم به دلیل سرشت نور، چیزی از

آن چه در بیرون مسجد واقع می شود را نمی بینیم و به دنبال توقف در هشتی و عادت کردن چشم به روشنایی کم سوی آن، از قالب روزنه ای که رو به حیاط باز شده گنبد خانه هویدا می گردد. مشاهده فضای گنبدخانه که جلوه گاه جمال حق است از پس روزنه هشتی که حجاب میان شاهد و مشهود است میسر می شود. در این میان هرکس متناسب با دارایی های ذهنی خود معنایی را نصیب خود می نماید.

محراب:

محراب نیز که از دیگر عناصر مسجد محسوب می شود حامل معانی نمادین بی شماری است. هرچند محراب عنصری است که در مذاهب دیگر از جمله مسیحیت نیز وجود دارد. در واقع محراب مکانی است که فرشتگان در آن برای مریم مقدس طعام می آورند. قندیلی که در بالای محراب آویزان می شود نیز به مثابه همتایی برای واژه «مشکوه» در نظام نمادپردازی در قرآن است. خداوند در سوره نور می فرماید: «اللّٰهُ نورالسموات و الارض مثل نوره مشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجه کانهما کوکب دری» ... «خدا نور آسمانها و زمین است. مثال نور او مانند طاقچه یا چراغدانی است که در آن چراغی است و چراغ در شیشه ای است و شیشه گویی ستاره درخشانی است که از درخت پربرکت زیتون که نه شرقی و نه غربی، افروخته می شود که نزدیک است روغن آن روشن شود و گرچه آتش بدان نرسد که نور بالای نور است. خدا هر که را خواهد به نور خویش رهنمون شود.» ۲۲ گاه محراب را به مثابه دروازه بهشت نیز بیان کرده اند. به طور کلی می توان گفت در هنر اسلام دین و معانی و مفاهیم حکمی نهفته در آن به عنوان عامل اصلی در شکل گیری این هنر محسوب می شود و هنر نیز در این زمان تبدیل به زبان عمیق حکمت های بشر شده است. در واقع این هنر بر علمی باطنی متکی است و ظاهر و حیث محسوس اشیا و پدیده ها را مد نظر ندارد. هنر اسلام با نمایاندن باطن پدیده ها سعی در ایجاد ارتباط با «خزاین غیب» می کند که وجه حقیقی خلقت هستند. این هنر وجه ناتورالیستی و طبیعت گرایانه را به کناری می نهد آنچنان که در نگارگری و حتی تصاویر نمادین این هنر کاملاً قابل مشاهده است و سعی در نمایاندن اصول اساسی پدیده ها دارد.

محوریتترین بخش در معماری مسجد، محراب است. این واژه به معنای محل جنگ و جهاد است از منظر راغب اصفهانی در المفردات، محراب از آن رو که محل نبرد با شیطان و هوای نفس است، این نام را به خود گرفته است. اما محراب نه تنها محل جهاد با نفس که پناهگاه امن و قرارگاه سکون جان (بلخاری قهی ۱۳۸۸)

محراب با ساخت و پرداختی استادانه شکل میگیرد و کانون معماری در کل ساختمان مسجد است. محل تجلی ارزنده ترین هنرهای تجسمی از جمله گچبری، کتیبه کاری، مقرنس، اسلیمی و انواع کاشیکاری در طول زمان بوده است و با اینکه به منزله جزئی از بنای مسجد میباشد، در عین حال به عنوان یک واحد مستقل هنری مورد توجه هنرشناسان قرار گرفته است. محراب در معماری اسلامی در واقع همان آتشدان است و برعکس در تمدن دیرین، به آتشدان نیز باید به چشم محراب نگریست. شکل محراب با طاق هایش نماد گنبد آسمان و سطح آن با گودی خود یادآور غار دنیاست. کسی که این فضای نمادین میان آسمان و زمین را پرمی کند همان کسی است که رهبری و هدایت مردم را به سوی قبله می پذیرد و صدایش در فضای محراب پیچیده و به گوش سایرین می رسد. محراب در دیوار قبله مقدم بر همه عناصر قرار گرفته است. محراب کانون معماری در کل ساختمان مسجد است و واحد مستقل هنری به شمار می آید. از نظر فنی و نظری محراب نمایان گر قلب مسجد است. محوری ترین بخش در معماری مساجد محراب می باشد. این واژه به معنای محل جنگ و جهاد است. از منظر "راغب اصفهانی" در "المفردات": "محراب از آن رو که محل نبرد با شیطان و هوای نفس می باشد، این نام را به خود گرفته است؛ اما محراب نه تنها محل جهاد با نفس که پناهگاه امن و قرارگاه سکون جان و آسایش روح است. ایجاد تعادل میان دعا و دل. محراب نشانی از رکوع، خضوع و فروتنی می باشد. محراب دارنده یک انحنای خمیدگی هماهنگ با کل هستی و نظام آفرینش است. محراب محل تجلی ارزنده ترین هنرهای تجسمی از جمله: گچبری، کتیبه کاری، مقرنس، اسلیمی و انواع کاشیکاری در طول زمان بوده است. استفاده از تزیینات خاص در زیباسازی محراب مساجد نشان گر اهتمام به مباحث معنوی و عرفانی است و در نهایت وحدت و یگانگی خداوند را به تصویری می کشاند. رازآمیزترین و پرشکوه ترین عنصر تزئینی محراب، مقرنس

است. مقرنس تمثیلی از فیضان نور در عالم مخلوق خداوند می باشد که همچون چهلچراغ، نور رحمت و معنویت را بر جان نمازگزاران می گستراند.



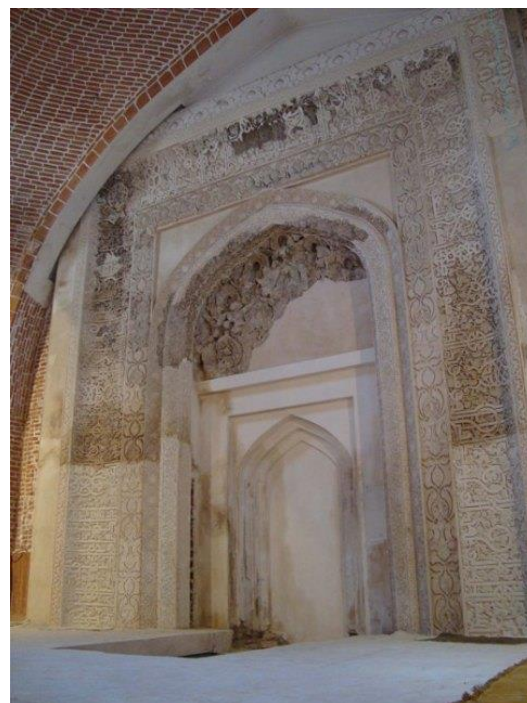
تصویر (۲) محراب مسجد جامع زواره



تصویر (۱) محراب مسجد جامع اصفهان دوره صفوی



تصویر (۴) محراب مسجد تبریز



تصویر (۳) محراب مسجد ورامین

مناره:

وجود مناره که بهتر است ماذنه بگوییم برای این است که مادر معماری مسجد به یک محل بلندی نیاز داشتیم که دیگر در محوطه خود مسجد نمی توانست باشد. دو عامل در طول تاریخ روی ساختار معماری مسجد تاثیر گذاشت. اول، افزایش کاربردهای معنوی مسجد؛ مانند اذان

«الله نور السموات و الارض مثل لوزه کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زججه کانه کوکب دری...». این نکته ایست که ظاهراً بین معنی تمثیل مسجد و کلیسا و کنیسه یهودی و شاید همچنین معبد پارسیان مشترک باشد. همچنین معماری مسجد یک معماری مقدس مبتنی بر ریاضیاتی شد که یونانیان در ساختن تاترهای خود از آن استفاده می کردند.

در تئاتر یونان، تئاترهای طراحی شد که وقتی بازیگران روی سن صحبت می کردند در تمامی پلکان های اطراف صدا شنیده می شد. یک نوع ساختار هندسی بسیار خاص که صدا را نه تنها در یک جهت خاص پخش می کرد، بلکه تن صدا را نیز بالا می برد. نمونه معماری مقدس این ساختار هندسی در مسجد امام اصفهان است. در زیر گنبد اصلی این مسجد منبر را قرار می دادند تا صدا رساتر شود.

بنابراین یک سری کارکردهای جدید برای مسجد به وجود آمد که این کارکردها در معماری آن نیز تاثیر گذاشت. اما نقش دوم، گسترش مبانی عرفانی در اسلام بود. این مبانی عرفانی، معمارانی را به وجود آورد که این معماران فتوت نامه هایی دارند. در این فتوت نامه ها آمده است؛ معمار باید با وضو سرکار برود، باید اهل سیر و سلوک باشد، با نماز وارد فضای کار مسجد شود و... مناره یا منار به بنای بلند و کشیده اطلاق میشود که عموماً در کنار بناهای مذهبی، مدارس، مساجد و مقبرهها ساخته میشود. در قبل از اسلام از مناره به عنوان عنصر راهنما استفاده میکردند، این جزء باریک و بلند گاه نیز معرف وجود آتشکده و آتشکدههای بزرگ بوده است که به آن میل میگفتند مانند میل نورآباد و میل فیروزآباد. در دوره بعد از اسلام منارهها ابتدا به صورت ساده و منفرد برای گفتن اذان کاربرد داشت، در گذر زمان ضمن پذیرش کاربردی فنی، در جنب سردر ورودیها و جنب ایوانهای اصلی مساجد و سایر بناهای مذهبی به صورت عنصری نمایشی و تزئینی نیز درآمد و جنبه نمادین به خود گرفت. (خسرویجردی و دیگران ۱۳۹۳)

عنصر مناره در مساجد اولیه عنصری پایه محسوب نمی شده است. با بهره گیری از پیشرفت فن ساختمان و همچنین با تجرد بیشتر مفهوم الوهیت نزد انسان، دو اقدام در جهت افزایش حرمت و قداست منار صورت پذیرفت: اولاً راه پله مارپیچ بیرونی به درون منار منتقل شده و به تعبیری منار در ظاهر بیرونی به فضای کاملاً غیر قابل دسترسی بدل می گردد و ثانیاً نسبت ارتفاع به سطح قاعده بیش از پیش افزایش یافته و منار به بنایی سرکشیده به اوج آسمان ها بدل می گردد که در منتهای خود به انفجاری نورانی و فرمی ختم می شود که به زیبایی " گلدسته " خوانده شده است. همچنین در ادامه با بهره گیری از ذهن انتظام بخش معماران ایرانی، منار بیش از پیش مفهومی نمادین و در عین حال عملکردی یافت به این ترتیب مشاهده می شود که دو ویژگی " عظمت " و " دور از دسترس بودن " مفهوم الوهیت نزد انسان که ابتدا در قالب زیگورات و سپس در فرم منار تجلی یافته است، در طول تاریخ و به فراخور رشد و بالندگی تفکر در باب معبود ترقی یافته و به گونه کنونی آن رسیده است مناره در پیوند با مفهوم نور الهی، رابطی میان زمین و آسمان و راهنما و هدایت گر انسان به سوی منشأ اصلی وجود او و به مثابه تجسمی از تسبیح الهی، پیوندی مفهومی برقرار ساخته و از بعد معنایی با توجه به دیدگاه اساطیری و باورهای ایرانیان باستان و نیز به واسطه دیدگاه قرآن، معنی مترادفی می یابد



تصویر (۵) مناره مسجد نایین مربوط به اصفهان



تصویر (۶) مناره مسجد گز اصفهان، مربوط به عصر صفوی

تعریف گنبد:

در لغتنامه دهخدا تعریف گنبد این چنین ذکر شده است «گنبد(گم ب (ا) پهلوی گومت (گنبد، قبه) در تهران و اراک (سلطان آباد) گنبد، معرب آن « گنبد » معج مالبدان در « گنبد » و « گنبد » اصلاً از آرامی و سریانی مأخوذ است نوعی از عمارت باشد مدور که از خشت و گل و آجر پوشند (برهان) (آندراج) لفظ دیگر فارسیش دیر است . (فرهنگ نظام) . گنبد .

جُنْبَدَه یا جُنْبَد قُبَّه (منتهی الارب). شَنْب «همان منبع: ۹۰، ۱۳۹۳» در فرهنگ لغت عمید در معنای گنبد ای نچنین ذکر شده است: «(اسم) پهلوی (gumbat): گنبد، جنبد، شنب، سقف یا ساختمان بیضی شکل که غالباً با آجر بر فراز معابد و مساجد و یا قبور و آرامگاه ها می سازند. گنبد کبود (لاجوردی [قدیمی، مجاز] آسمان گنبد گل "غنچه گل گنبدلارونی: آسمان»

تعریف هندسی گنبد: در تعریف هندسی، گنبد مکان هندسی نقاطی است که از دوران چفدی مشخص حول یک محور قایم به وجود می آید. اما در زبان معماری، گنبد پوششی است که بر زمینه ای گرد بر پا شود. (مجیدی ۱۳۹۱)

جایگاه گنبد در معماری ایرانی اسلامی:

گنبد ایرانی جدا از معنای ویژه ای که نزد معماران دارد، همواره در نهاد هر ایرانی حس تعلق را زنده کرده است. گنبد ایرانی با روح ما پیوندی عمیق دارد، این حس را چه در به تماشا نشستن آن از بیرون و چه با غرق شدن در آسمان گنبد از درون بنا می توان یافت. در فرهنگ و معماری ایرانی فرم گنبد همواره از جایگاهی خاص برخوردار بوده تا جایی که می توان گنبد را یکی از نمایندگان معماری ایرانی -اسامی خواند. سابقه ساختن نهادهای گنبدی به هزاره سوم پیش از میاد و منطقه میان رودان می رسد. نمونه ی این گنبد ها در زیگورات چغازنبیل و کاخ ساراگون قابل مشاهده هستند. اما در این فرم ها به مرور زمان تغییرات زیادی ایجاد شده که حاصل پیشرفت چشمگیر معماری ایرانی در ساخت ای نگونه بنا بود. برای استفاده از فرم گنبدی در معماری ایرانی می توان دو دلیل عمده را برشمرد (اشرفی ۱۳۹۲)

(۱) جایگاه اعتقادی و ویژه شکل کروی در فرهنگ ایرانی

(۲) مصالح در دسترس معماری

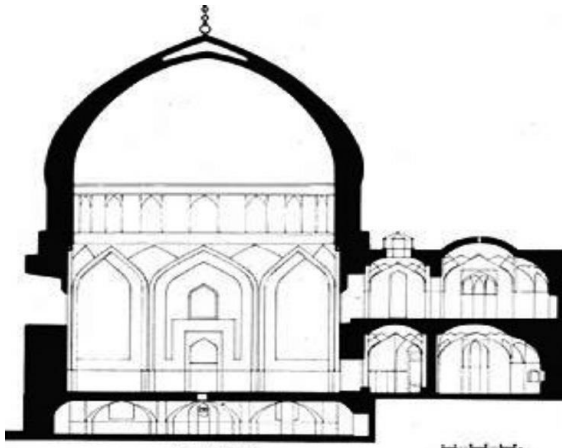
برای فرم گنبد همواره معنای ویژه ای ذکر شده است، این معانی نمادین در برخی فرهنگ ها با یکدیگر اشتراکاتی نیز دارند. ساختمان مربع یا مستطیل شکل که بشن خوانده میشود را نماد زمین و زمینه گنبد را نماد آسمان خوانده اند. در معماری ایرانی گنبد را بدون استفاده از قالب می ساختند ولی در عین حال نظم حاکم بر آن، آنچنان دقیق است که در برابر انواع نیروهای لرزه ای و رانشی بهترین مقاومت را از خود نشان میدهد. از نکات برجسته ای که در مورد فرم های ساختمانی گنبدی باید به آن اشاره نمود خاصیت ایستایی این نوع ساختمان ها است. گنبدها که بنا به تعریف دارای شکل هندسی دورانی، بالحنای دو جانبه هستند، نیروهای وزن و سایر نیروها را اساساً با مکانیزم نیروهای غشایی به تکیه گاه منتقل میکنند. فرم هندسی گنبدها دارای این ویژگی است که معمولاً کمترین تنش کششی در این فرمها به وجود می آید بنابراین، ساختن گنبد ها با مصالح ساختمانی که قابلیت تحمل نیروهای خمشی را ندارند کاملاً امکان پذیر است. از دیدگاه تکامل فرمهای ساختمانی، فرم های گنبدی دارای فرمهای ساختمانی، فرم های گنبدی دارای قابی و حتی فرم های ساختمانی طاقی هستند.

نماد گنبد:

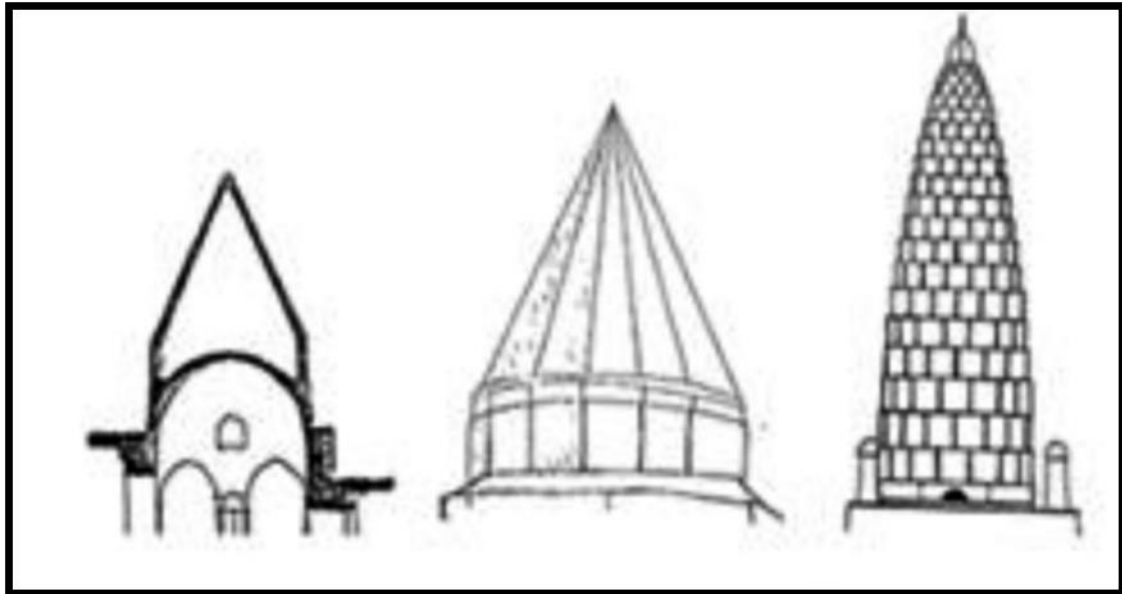
گنبد نماد کعبه و بیت المعمور است. کعبه دل رسول... و دل مومن است. کعبه جایی است که علی (علیه السلام) در آن متولد شده، یعنی جایی که انسان کامل در آن ظهور پیدا می کند. مسجد شیخ لطف... مثل شطحیات است. زیر گنبد این مسجد نقش پر طاووس را می بینید. طاووس نماد سیمرغ است. سیمرغ نماد انسان کامل است. در حالی که در مساجد دیگر خیلی پوشیده صحبت می شود. شمس وسط گنبد نیز نماد انسان کامل است. اگر شما زیر گنبد مسجد شیخ لطف... بایستید، شما نقش طاووسی با پرهای باز شده می بینید ولی تلالو نور نقش طاووسی با پرهای بسته شده را به شما نشان می دهد.

انواع گنبد در ساختار بناهای سنتی ایران:

قابی و حتی فرم های ساختمانی طاقی هستند. فرم به دو گروه اصلی تقسیم می شود (پیرنیا ۱۳۶۵). گنبد نار: رایج ترین نوع گنبد در ایران است. فرم این نوع گنبد کروی است و پوشش اصلی سقف اکثر مساجد مهم ایران نظیر مسجد جمعه، مسجد امام و مسجد الله وردیخان در اصفهان و مسجد جامع یزد و مسجد و مدرسه آقابرگ در کاشان می باشد. این گنبدها به صورت دو پوسته اجرا گردیده است.



تصویر (۷) گنبد مسجد شیخ لطف الله، نمونه از گنبد نار (دوپوسته پیوسته) منبع: گنجنامه و نگارنده ۱۳۹۳
گنبد رک: گنبد رک به صورت هرمی یا مخروطی است و غالباً بر روی یک پایه استوانه ای و یا منشوری قرار م یگیرد. معروف ترین این نوع، گنبد قابوس است.



تصویر (۸) سه گونه عمده گنبد های رک در ایران (پلکانی، هرمی و مخروطی) منبع: زمرشیدی ۱۳۷۳
شاخص های شکل دهنده در گنبد مساجد:

مسجد مرکز تجلی و محل تلاقی و در اصطلاح گنجینه و نمایشگاه انواع هنرهای اسلامی است. از جمله دلایل سازگاری اسلام با هنر، ملاقات این دو مسجد است. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای مختلف به هم در آمیخته است. معماری در توازن اجزاء کوشیده، نقاشی به نقوش و کاشی ها توجه کرده است. بدین گونه مظاهر گوناگون فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرن های دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که یک مورخ می تواند از مطالعه ی در مساجد تصویر روشن تری از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند. گنبد به عنوان یکی از اندام های اصلی و عنصری مهم در معماری بناهای سنتی ایران، ابعاد گوناگونی دارد. مطالعات انجام گرفته نشان می دهد که ایران نه تنها منشأ پیدایش گنبد بوده است، بلکه گنبد های ایرانی وجوه تمایزشایان توجهی در مقایسه با گنبد های ساخته شده در سرزمین های دیگر داشته است. ایرانیان نه تنها بر اساس نیاز به وسعت فضا برای برگزاری آئین های معنوی، بلکه با وقوف به رفتار مصالح ساختمانی، توانسته اند با ابداع روش ها و فن آوری های نوین، ابتکار ساخت گنبد را بر عهده گیرند. (سادات مجیدی ۱۳۹۱)

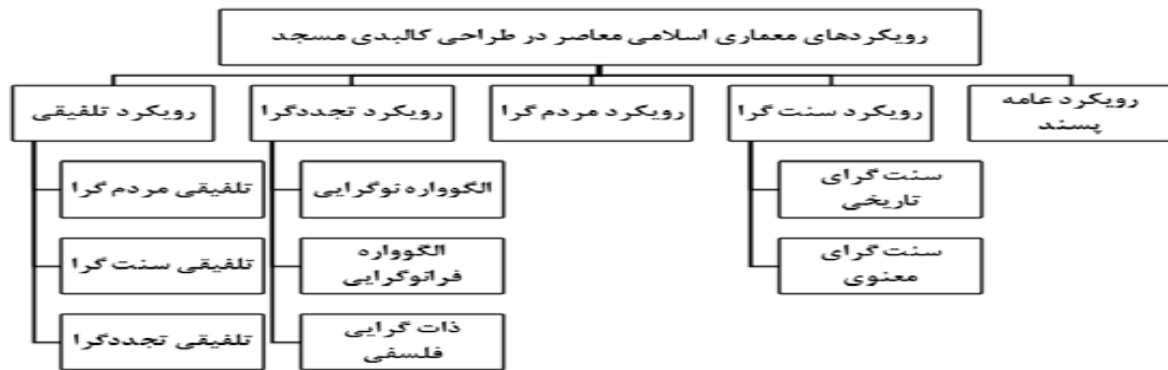
حکمت معماری اسلامی

آموزه های معنوی و باورهای فرهنگی، زیر بنای برپایه یک معماری ارزشمند و پویاست. از این رو باز شناسی دستاورهای شکوهمند معماری اسلامی بدون آگاهی از مبانی اندیشه‌های و زیر ساختهای اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود. کسانی که نا آگاهانه معماری اسلامی را مستقل از معنویت و حکمت می خوانند، ناخود آگاه راه پیشرفت و تعالی آنرا مسدود می نمایند. به منظور درک هر چه بهتر این روند تکاملی باید در نظر داشت که « معماری کهن و پیر رمز و راز ایران زمین، بی ادب و فرهنگ مردمانی که خشت و رنگ آنها را پایدار داشته اند، فهم نمی شود» (فلاکی، ۱۳۷۱، ۵۲۴). از این رو در بازشناسی هر اثر معماری باید توجه داشت که از یک سو مفاهیم معنوی حاکم بر جریان طراحی سازنده ویژگی های کالبدی بنای نهایی است و از سوی دیگر هر فضای ساخته، بصورت جامع معرف تنوع شناخت و پیش فرضهای طراحی است. بنا براین مبانی فرهنگی بستر شکل گیری بنا، خصال معنوی سازنده و فضای ساخته، عناصر اصلی شکل یابی مفاهیم معنوی در کالبد مادی بناهای معماری است (مهدوی نژاد ۱۳۸۳، ۶۱)

حکمت معماری اسلامی مرتبه ای است، که در آن نیاز های مادی و معنوی به صورت یکسان پاسخ می گوید. سید حسین نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می نویسد: «باین تعاریف» که ملا صدرا در کتاب رسایل داده است «حکمت نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش اندوزی به گونه ای دگرگون می سازد که روکش بدل به آیین های می گردد که سلسله مراتب کیهانی در آن انعکاس می یابد این مرتبه که ملا صدرا آن مقام حکمت می خواند، مقامی است که در آن انسان شایسته خلق معماری و یا هر اثر هنری دیگر می شود و هر آنچه که می آفریند سرشار از پاسخ هایی روشن و مناسب به خواسته های مادی و نیازهای معنوی است. معماری اسلامی حاصل معنویتی است که به مدد اندیشه پاک معماران کشور های اسلامی اندک اندک به شکوفایی رسید؛ تا جایی که در مکتب اصفهان به بالاترین درجه شکوفایی و سازمندی دست یافت، مرتبه ای که از آن می توان به تبلور حکمت معمار اسلامی یاد کرد. حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شد که آثار معماری این دوران را، به یادگاری های جاودانه و استوار تبدیل ساخت آنچه امروز از آن با عنوان معماری اسلامی ایران یاد می شود، ادامه سنتی است که توانسته، با تکیه بر آموزه های معنوی، حکمت ناب اسلامی را با زبان رمز و اشاره در کالبد مادی عالم ظاهر متجلی می سازد. معماری ایران بعد از اسلام دارای ویژگی خاصی است و واقعا حکمت و حیاتی را در قالب معماری بیان کرده است. حکمت، بینش الهی است و در واقع باطن وحی است و به بهترین وجه در معماری ایرانی اسلامی نمود دارد. به طور کلی معماری اسلامی هر جا که اسلام نفوذ کرده متجلی شده است و به نظر من این یکی از بزرگترین معجزات وحی است که وحی می تواند هنر را متحول کند و در واقع حکم کیمیا دارد. معمولا مراد از کیمیا این است که مس را تبدیل به طلا می کند اما کیمیای معماری بالاتر از کیمیا به معنای متعارف است برای اینکه خشت، خاک و گل و ... را تبدیل به آثار هنری کرده است که بسیار باارزش است. هنرمند اسلامی با الهام گرفتن از باطن وحی توانسته است همان مبادی وحی را، هم اصول و هم فروع را در هنر و خاصه در معماری به کار ببرد.

فلسفه گنبد در مساجد: در فرهنگ اسلامی گنبد دارای تجلی زنده ای از جهان شناسی اسلامی است. به وسیله معانی سمبلیکی، مفاهیم مرکز، دایره و نهفته در گنبد به تمامی به واقعیت می پیوندند. یک ارتباط اساسی در این مورد که تاکید زیادی بر آن می شود، ایده «روح» است که همزمان همه موجودات را فرا می گیرد، همان گونه که گنبد فضای محدود به خود را در بر می دارد و طاق آسمان که همان آفرینش را احاطه می کند. عبور این روح از نوک گنبد سمبل وحدت است. این عبور را می توان به طرف پایین و دارای انبساط به سمت کثرت یا به طرف بالا و دارای انقباض به سمت وحدت دانست. گنبد یک شکل از صورت زنده است ایده ای است که در امکانات مادی تجلی می کند در پیشینه صحرائشینی، گنبد شبیه به ساختنای نهایی گنبدی است که از اسکل تهی گرد چوبی ساخته می شدند و روی آنها با پارچه یا پوست پوشیده می شد، پس از گسترش گنبد های چوبی توسط انسا نهی شهرنشین، معماری آجر و سنگ به عنوان ادامه آن آغاز شد و شکلهای قابل احترامی با مواد و مصالح دائمی و سنگین ساخته شد. مهارت و استادی معماران باعث سبکتر شدن وزن گنبد شد زیرا معیار بارز زیبایی در گنبد ها همان سبکی اشکال آنها بود، چه از نظر مواد سازنده آن و چه از نظر دیدگاه چشم. زیرا تقلید سنگینی تنها هنگامی

کامل می شود که با سبکی ازلی «چادر کیهانی» که از آن منشأ می گیرد، همساز شود الگوها و رنگها، هم داخلی و هم خارجی، می توانند در این سبکی نقشی داشته باشند. چرخهای کیهانی یا مندل ها، مانند شکوفه های ایجاد شده توسط هندسه دایره روی سطوح گنبدی نمایان می شوند. رنگها، ملایم و آرام، تصور عقل را ایجاد کرده و به شور و هیجان نفس اشارت دارند. این رنگهای سفید، سبز، آبی، فیروزه ای و طلایی یا حاصل آجرکاری و گچبری یا ترکیبی از آنها هستند. گنبد در همه تجلیاتش محل «عرش الهی»، پذیرای عقل و آزاد از زمان در شکل است. گریو گنبد، هشت گوشه زیر آن سمبل هشت فرشته حامل عرش الهی و پایه چهار گوش زیرین نمودار جهان، با چهار ستون کناری به عنوان عناصر آن است. (محمدی ۱۳۹۳ و دیگران)



پیوند معماری سنتی گنبد و حکمت اسلامی:

در ساخت گنبد و یا ساختن یک فضا، اصل توحید را می توان دید و نمودی از اصل نبوت و ولایت را می توان در آن متجلی دید. فضا، فضای مقدس است یعنی شما وقتی که از یک فضای بیرونی وارد فضای مسجد می شوید وارد یک فضای مقدس الهی می شوید که شما را به عبادت دعوت می کند و ما را در فضایی روحانی قرار می دهد و آماده عبادت می کند گویی عینا در حضور خداوند هستیم. بر روی این امر تأکید می کنم که معماری سنتی چه در خانه، چه در بازار، چه در مسجد طوری است که معماری غیبت نیست، بلکه معماری حضور الهی است. این ویژگی ها در معماری سنتی ادیان دیگر هم دیده می شود مثلاً وقتی که وارد کلیسای نوتردام در پاریس می شوید که متعلق به هزاران سال قبل است در آن انگار حضور الهی و تمام مراتب طولی وجود را ادراک می کنید و خود را در حضور حق و فرشتگان می بینید یعنی فضا این قدر مهم است و طوری ساخته شده که هنرمند روح و باطن وحی را در آن متجلی می کند. به طور کلی می توان گفت فضاهای سنتی چه خانه، چه بازار که محل دنیاست، چه میدان مثل میدان امام اصفهان، چه مسجد و ... همیشه و کم و بیش حضور الهی را تداعی می کند؛ البته در مسجد این حالت بیشتر احساس می شود (اعوانی ۱۳۹۰).

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره گیری از روح معنویت نشان می دهد. این امر به گونه ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه زیبایی شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می یابد. آنچه آثار معماری اسلامی را با تمام گون هگونی ها در یک مجموعه در کنار یکدیگر تعریف میکند معماری اسلامی ایران به مثابه کارآمدترین ابزار خلق فضا، نه تنها می تواند راه گشای معماران جوان این سرزمین باشد بلکه به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی مردمان این سرزمین می تواند، در تعریف ژرف ساخت های نظری یک معماری اسلامی پیشرو مناسب برای نیازهای روزآمد مورد استفاده و بهره برداری قرارگیرد. بدیهی است که ترسیم افق های جدیدی برای معماران اسلامی ایران، تنها با تکیه بر اصل حکمت به مثابه پیشروترین اصل معماری اسلامی، امکان پذیر خواهد بود. اصل حکمت جوهره اصلی تعریف معماری است و هر آینه می تواند به عنوان محک و سنجش درستی مسیر و راهبردهای انتخاب شده، برای معماری معاصر، به کار گرفته شود. حکمت معماری اسلامی ناظر بر این معناست که اگر انسان به سوی ادراک

مفاهیم جاودان الهی حرکت نماید؛ یا کوشش کند آموزه های معنوی را در بناهای خویش مورد استفاده قرار دهد، به صورت ناخودآگاه تمامی نیازهای فیزیکی و مادی او نیز برطرف می شود. بنابراین یک معمار به جای آن که خود را درگیرخواس تنها و نیازهای کالبدی بنا نماید، کفایت به پرشش های معنوی بنا پاسخ مناسبی دهد که همین پاسخ ها، در مرحله نخست، برطرف کننده نیازهای فیزیکی و عملکردی بنا خواهد بود. معماری یکی از هنرهای اسلامی است که خصوصیات هویتی اسلام را در خود جای داد و تقریباً تمام خصوصیات هنر دینی را با خود به همراه دارد. در سرزمین های اسلامی خانه ها را طوری بنا می کردند که برای زندگی کوتاه انسان مناسب باشد. برای معماری بنای خانه ها بیشتر به کارکردهای منطقی بنا تا مسأله جاودانی آن توجه می شد و شاید به همین دلیل باشد که منازل و خانه های ادوار گذشته کمتر باقی مانده اند، مگر تعدادی معدودی که آن ها هم از لحاظ جنبه معنوی محافظت شده اند مانند خانه حضرت زهرا (س) در مدینه و یا خانه حضرت علی (ع) در کوفه، که باز هم حکمت معنوی حاکم بر بنا موجب ابقای آن شده است. اما خانه های خدا امری جدا از این امر بوده اند. خداوند خود جاوید است پس باید محل عبادت او نیز جاودان باشد. به همین دلیل در اسلام به معماری مساجد بسیار اهمیت داده شده است و بنای معماری مساجد را به زیباترین هنرها می آراستند. در واقع مساجد جلوه ای از هنرهای اسلامی هستند (اعوانی ۱۳۷۳) واضح ترین نماد وحدت در عین کثرت. گنبدخانه از نظر فضا و معنا اصلی ترین بخش مسجد است. از نظر فضا بیشترین اتفاقات شکلی مسجد نیز در گنبدخانه اتفاق می افتد. «همه اجزا کمک می کنند تا معماری به گنبدخانه ختم شود. گنبدخانه مرکز وحدت است و همه چیز از رواق و هشتی و ... می آید و به گنبدخانه منتهی می شود. گنبد هم چشم و ذهن شما را به یک سمت می برد. ارتفاع بلند آن هم مرتبگی و تعالی را به یاد می آورد. وقتی زیر گنبد قرار می گیرید درمیابید چقدر کوچک هستید و این مقیاسی است برای اینکه بدانید که هستید و چه اندازه ای هستید. در فضا سازی مساجد البته بیشتر وجه مثبت لحاظ شده تا منفی. هیچ دینی به اندازه اسلام به کرامت انسانی اهمیت نمی دهد.

هنر اسلامی و سنتی:

هنرهای سنتی گوناگون ایران را میتوان بازنمایی واحد در صور گوناگون داشت. همه آنها به مفاهیمی مشترک دلالت دارند که آمیزه ای از باورهای ایرانی و اسلامی است، زبان این هنرها نمادین است و هنرمند در اثر خود با ابزار تمثیل با هر هنر سخن می گوید. هنر معماری را باید جایگاه نمادها در هنر ایران دانست. این وحدت معنا در عین کثرت صورت ها را می توان مهم ترین ارزش نهفته در هنر ایران دانست که ضمن پدید آوردن انگاره های زیبا، درک معانی نمادها را از طریق ایجاد رابطه جانشینی میان آنها ممکن می سازد به باور کاسیرر، به نقل از صارمی، مستقیم ترین و بی واسطه ترین رابطه میان انسان و فرم را می توان در هنر یافت و از نظر وی، معماری، جهت دارترین و بی واسطه ترین فرم نمادین است. بنابراین معماری قادر است از طریق عناصر و رابطه بی واسطه میان فرد و خود، معنا را به بیننده انتقال دهد. این تجربه فضایی به مفاهیم تاریخی و معنی معماری اشاره دارد هنرهای سنتی ایران با وجود تنوع در صورت، از یک معنا سخن می گویند و به مفاهیمی مشترک دلالت دارند که آفریده ای از باورهای ایرانی و اسلامی است. به طور کلی هنر دینی مبتنی است بر رمزپردازی (سمبولیسم) و زبان هنرمند زبان تمثیلی است. از جمله جایگاه های تجلی نمادها و به ویژه در ایران، هنر معماری است (فرشید نیک ۱۳۸۸)

نمونه های از گنبد های مساجد شاخص ایران و رابطه آنها باهم از نوع برقراری حس معنویت در انسان:



تصویر (۱۰) گنبد مسجد شیخ لطف الله



تصویر (۹) گنبد مسجد امام اصفهان



تصویر (۱۲) گنبد مسجد جامع ساوه



تصویر (۱۱) گنبد مسجد جامع یزد



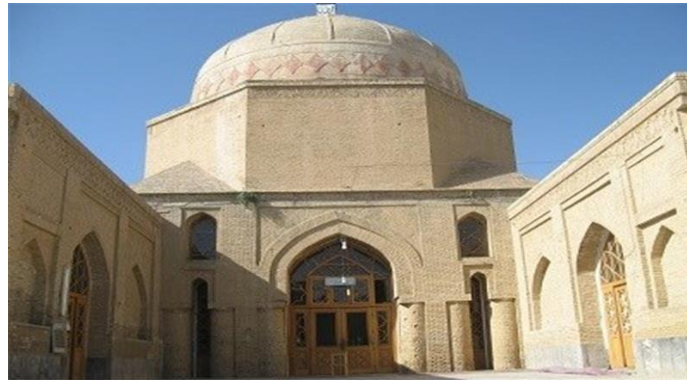
تصویر (۱۴) گنبد مسجد آقا بزرگ



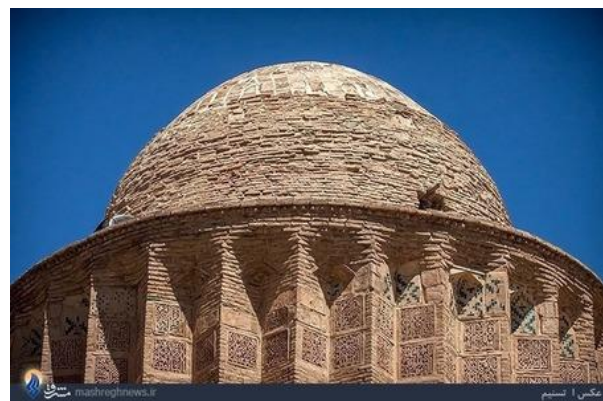
تصویر (۱۳) گنبد مسجد جامع زواره

رابطه بین معماری گنبدو مناره مساجد دوره های مختلف با حکمت سلامی:

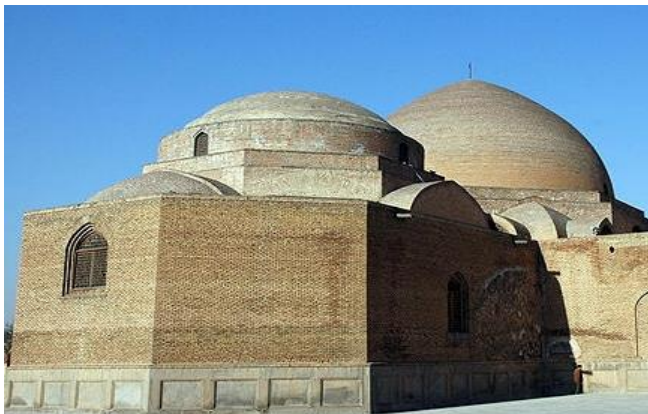
دوره سلجوقی: نمونه موردی: ساختمان گنبد عهد سلجوقی متعلق به اوایل قرن ششم هجری قمری بوده و صحن مسجد جامع گلپایگان بدون احتساب هشتی‌ها، حجره‌ها و رواق‌ها حدود ۱۶۰۰ متر مربع مساحت دارد و ارتفاع گنبد مسجد ۲۲ متر و ابعاد گنبد از داخل ۱۲ در ۱۲ متر است

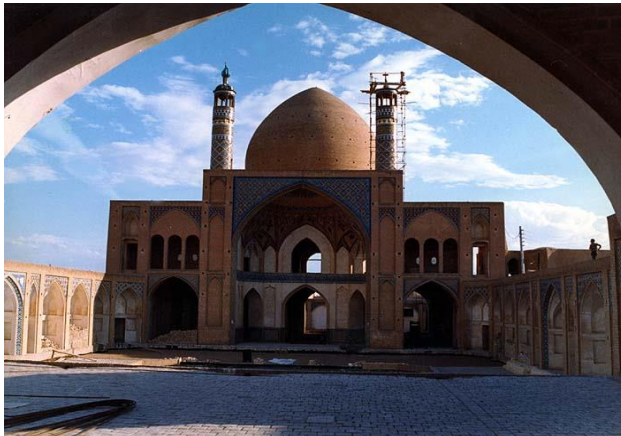


تصویر (۱۴) گنبد دو پوسته گسسته گلپایگان



تصویر (۱۵) و (۱۶) دوره ایلخانی: گنبد مسجد بسطام و مسجد نظنز دوره
تصویر (۱۷) و (۱۸) تیموری: مسجد جامع یزد و مسجد کبود تبریز





تصویر (۱۹) گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان در عصر صفوی تصویر (۲۰) گنبد و مسجد آقا بزرگ در دوره قاجار با توجه به معماری گنبدها قبل از اسلام و نمونه های از گنبدهای دوره های اسلامی که تصویر آنها نمایش داده شد در میابیم که در هر دوره هنر سنتی و معماری ساخت گنبدها از پیشرفت کالبدی در جهت پیوند رو به ملکوت ارتقا یافته است و در کنار خود مناره ها را قرار داده ارزش آن دو برابر افزایش پیدا کند. با توجه به نوع ساخت گنبدها در ادوار مختلف پیوند آن را با حکمت اسلامی در جهت ادراک مفاهیم جاودانی و آموزهای معنوی و برطرف کردن نیازهای فیزیکی و مادی می توان معماری اسلامی می کوشد با کسب شناخت حقیق از جهان هستی و مرتبه فنای فی لله رسیده، جریان حکمت الهی را در وجود خویش باز پروری نماید و این زمان است که حکمت معماری اسلامی به مد تو می آید در درجه تعالی ارتقا می بخشد (مهدوی نژاد ۱۳۸۳)

رابطه بین مناره و گنبد از نظر حکمت اسلامی:

در معماری مساجد یک مناره، نماد منار و گنبد می تواند بازماندهی بخشی از نماد سه گانه ی مقدس باشد، و منار نماد درخت زندگی است که در آن دو نیروی جانبی که میتوانند نماد جو باشند، نشان داده نشده است. به عبارتی یک منار یادآور درخت زندگی زیر سقف آسمان است. اما دو مناره و یک گنبد و زمینی که فضای مقدس زیر گنبد را دربرمیگیرد، یعنی بنای یک مسجد با تصور سه بعدی آن، میتواند نماد گنبد آسمان، زمین و جو باشد؛ همان سه گانه ی مقدسی که دو نیروی نرینه ایزدبانوی مادر (زمین) را زیر سقف آسمان در بر گرفته اند. این دو نیروی محافظ میتوانند همان نماد جو باشند، که سابقه ی گسترش باورهای آن در فرهنگ ایران باستان بسیار زیاد است. شاید چنین تفسیری از این جفت نمادین در معماری ایرانی با توجه به تاریخچه ی یادشده ما را در روشن شدن این مسئله رهنمون باشد و رمز چنین الگوی معماری مقدسی با توجه به ریشه ی فرهنگی آن، یعنی سه گانه ی مقدس گشوده شود. در معماری یک گنبد و دو منار، ظاهراً سه عنصر گنبد، زمینی که در زیر آن، فضایی مقدس ایجاد میکند و دو منار را داریم. شاید این الگوی سه گانه را بتوان در دیگر نقشها و تصاویر هنری هم ریشه یابی کرد. جدا از معنای اسلامی این سه گانه در معماری مساجد، اگر این سه عنصر را نخست به این صورت تقلیل دهیم که گنبد (نماد آسمان) و زمین زیر آن با دو مناره (نماد جو) نگهداشته میشود (پورجعفری ۱۳۸۰).

تزئینات:

تزئینات تکمله بیان احساس قدسی و فزاینده معنی است که ریشه در اعماق فرهنگ ایرانی و اسلامی دارد تزئینات جزء جدانشدنی و عمده در معماری اسلامی است و شاید کمتر بنای مذهبی وجود داشته باشد که تزئینی در آن نباشد. از سده دوم و سوم هجری در عصر سلجوقیان غنی ترین طرح ها و فرم های تزئینی در دیوارها و پوشش ها، سقف ها و مناره ها ابداع شد. اما نکته اصلی در این باره یکی شدن ساختار و تزئینات در بنا است، به طوری که تزئینات چیزی جز

از خود بنا و الحاقی آن نبوده است و این به استحکام اصلی بنا نیز کمک می کرده است. اصول ایجاد تزئینات بسیار متنوع است و کاملاً به نبوغ، خلاقیت، سلیقه و توانایی هنری هنرمند تزئینات کار بستگی داشته است که در هر منطقه با توجه به عوامل محیطی و بومی نقش پذیر شده است. هنرمند با توجه به طرح های موجود در محل زندگی خود متأثر از اقلیم و فرهنگ و مذهب، تغییرات و نوآوری هایی در طرح ایجاد و اجرا می نموده است. هندسه کمال یافته این معماری با استفاده از اشکال کلیدی به مثابه زیرنقش، با انکشاف طبیعت زاینده آن ها، از وحدت به سمت کثرت میل می کند و مخاطب را پس از گردش در بوستان پرتنوعش، به وحدت ذاتی منتظر باز می گرداند و در جاذبه وحدانی خویش آرامش می بخشد. نور در این میان، نقش حکیمانه خویش را با ظهوری حیات بخش ایفا می کند. کمال بخشی رنگ و هم آغوشی با نور صد چندان می گردد (ندیمی ۱۳۸۸)



تصویر (۲۱) تزئینات کاشی و کبیه بر ایوانک های فوقانی مسجد جامع یزد



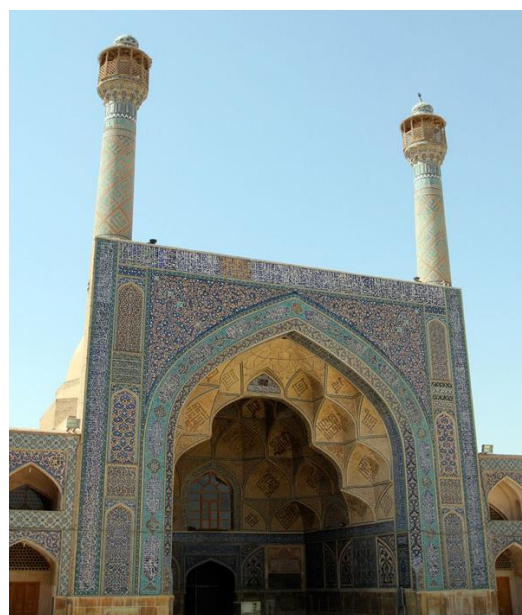
تصویر (۲۲) تزئینات مسجد نصیر الملک شیراز مسجد جامع اصفهان:

مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان از مهم ترین و قدیمی ترین ابنیه مذهبی ایران است. کاوشهای باستان شناسی نشان از آن دارد که احتمالاً این مسجد پیش از تسلط اعراب بر اصفهان، مرکز مذهبی مهم شهر بوده و بصورت یکی از آتشکده های شهر اصفهان کاربری داشته است. هنرمندان بسیاری در ساخت و پرداخت این بنا نقش داشته اند. نام معماران جمال (خادم بقعه شیخ محمد بن یوسف بنا) و یوسف بن تاج الدین بنا اصفهانی در کتیبه های ایوان جنوبی و نام معمار شیخ حسن بن شرف الدین بن حسین بنا رویدشتی بر کتیبه سردر بیت الشتا دیده می شود. استاد حیدر نیز سازنده محراب اولجایتو بوده است. همچنین در کتیبه های موجود نام این واقفان آمده است: استاد حسین بن استاد شاه میرزایی اصفهانی، محمد مطلق، آقا ذوالفقار، ولد آقا نصیر؛ استاد امین، ولد اسماعیل سرنج پز. کشف یک پا ستون، با تزئینات دوره ساسانیان، در منطقه شمالی مسجد، وجود بنایی قبل از اسلام را تایید می کند. درباره تاریخچه تغییر و تحولات مسجد اختلاف نظرهایی وجود دارد ولی به نظر می آید ساخت مسجد جامع به قرون اولیه هجری و در زمان عباسیان بوده که در قرن سوم هجری محراب آن تخریب و

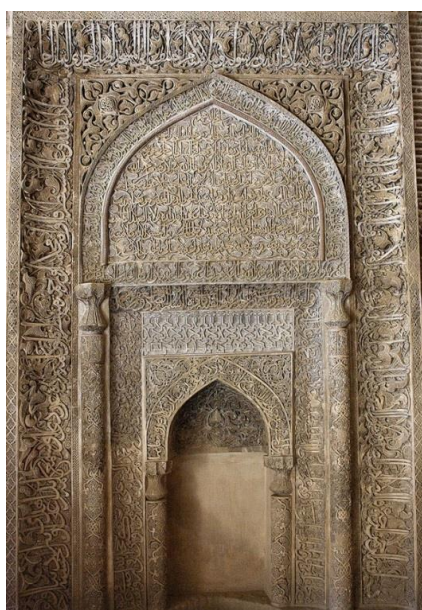
جهت قبله آن اصلاح شده است. در این مسجد تزیینات زیادی از جمله کاشی کاری، آجر کاری، گچکاری و... انجام گرفته است که نمونه بارزی از معنویت را در مسجد القا میکند.



تصویر (۲۴) نمای ایوان جنوبی و کاشیکاری مسجد جامع اصفهان



تصویر (۲۳) فضای زیر گنبد نظام الملک



تصویر ۲۵: میانسرا و حوض مسجد جامع اصفهان



تصویر ۲۶: محراب اولجایتون باتزیینات گجبری در مسجد جامع اصفهان

ارزش‌های تزئینی مسجد جامع:

در مسجد جامع اصفهان لایه‌ها و سطوح تزئینی همواره از ارکان مهم معماری محسوب می‌گردد. کشیدن نقاشی از تصاویر افراد یا شخصیت‌ها در مساجد اسلامی از ابتدا مجاز نبوده اما به‌کارگیری روشهای دیگر مانند نقوش هندسی و یا طبیعت انتزاعی به‌صورت تزئینی مورد توجه بوده است. در مسجد جامع اصفهان بسیاری از سطوح و فضاهای مسجد با روشهای مختلف تزئینی آراسته شده است که متعلق به ادوار مختلف تاریخی است که به اختصار به شرح آن می‌پردازیم.

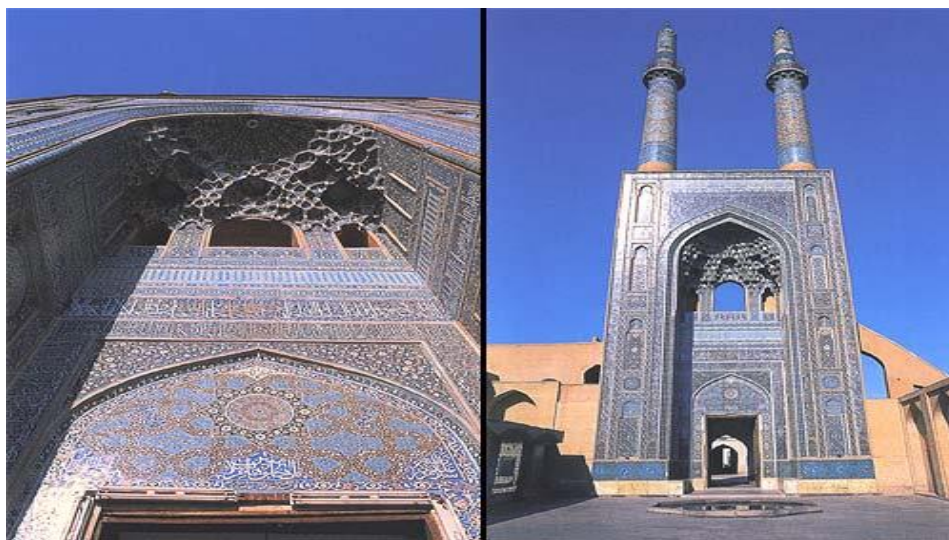
در قرن سوم (نهم میلادی) دیوارهای خشتی با ملات سیم‌گل (کاه‌گل بسیار نرم) پوشیده بوده و ستونهای مدور آن که از آجرهای پیش‌بُر (با قالب دوزنقه‌ای) ساخته شده بود، دارای نمای آجری با بندکشی گچی بوده است. در قرن چهارم (دهم میلادی) الحاقات دوره آل‌بویه به‌صورت ستونهای دو بخشی و سه‌بخشی دارای نمای آجری با نقوش آجرهای ظریف به‌صورت گل‌اندازی (basrelief) یا گود و برجسته‌تزیین شده بوده در قرن پنجم (یازدهم میلادی) دوره سلجوقی سطوح تزئینی از ترکیب نقوش هندسی و خط‌بنایی با حروف عمود برهم اجرا شده در قرن هفتم و هشتم (۱۴ میلادی دوره ایلخانان مغول) روش تزئینی عمدتاً ایجاد سطوح گجبری همراه با استفاده از انواع سبک‌های خوشنویسی بوده است. مخصوصاً در احداث محراب‌ها و تزیین آنها با روش گجبری خطوط همراه با نقوش طبیعت انتزاعی بوده است. در قرن نهم (۱۵ میلادی دوره تیموریان) استفاده از پوشش‌ها به روش رسمی‌بندی و تزیین سطوح با کاشی‌های الوان خصوصاً در نماهای اطراف حیاط اجرا شده. در قرن دهم تا دوازدهم (۱۶ تا ۱۸ میلادی - دوره صفوی) ادامه روشهای سبک دوره تیموری در تزیینات همراه با نقوش مقرنس‌سازی در ایوان شرقی و به‌کارگیری ترکیب آجر و کاشی با مهارت و ظرافت در چهار ایوان اطراف حیاط اجرا شده است.

به‌طور کلی تزیینات اجرا شده در مسجد جامع اصفهان مجموعه‌ای از هنرهای تزئینی را در طول تاریخ شهر و تحولات معماری مسجد معرفی می‌نماید. برخی از این تزیینات بعداً در مساجد دیگر اجرا شده است و برخی دیگر مانند کاشی‌های الوان دوره تیموری به لحاظ طرح منحصر به‌فرد است، ولی آنچه اهمیت دارد، به‌کارگیری مجموعه‌ای از هنرهای تزئینی به‌ویژه ترکیب آجر و کاشی برای نخستین‌بار است که وحدت و یکپارچگی جذاب و بی‌نظیری را در طول تاریخ برای مسجد جامع اصفهان به ارمغان آورده است.

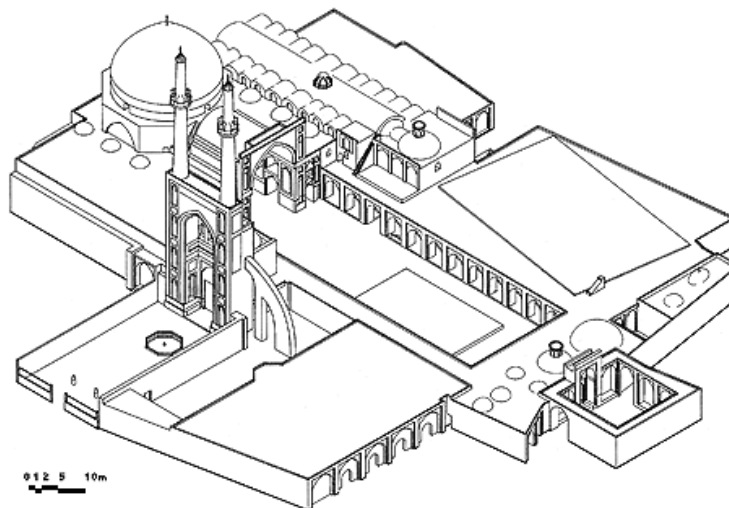
مسجد جامع یزد:

این مسجد بزرگ با ۲ مناره بلند و منحصر به‌فرد هر سال گردشگران بسیار زیادی را از نقاط مختلف دنیا به سوی خود جذب می‌کند. از امتیازات هنری و معماری این مسجد می‌توان به قدرت و استواری کاشیکاری‌های نفیس و زیبای لاجوردی آن اشاره کرد. در زیر گنبد این مسجد بخشی قرار دارد که به آن تابستانه می‌گویند، این سردخانه دارای پنجره‌های آجری مشبک و در داخل این تابستانه محرابی قرار دارد که دارای کاشیکاری زیبایی است. نکته جالب توجه اینکه مردم معتقدند خاک کاشی و خاک همه مصالح آن از کربلاست و برای ساختن آن به جای استفاده از آب از گلاب استفاده شده است. شبستان مسجد دارای ۲ قسمت است که یکی در زمستان و دیگری در بهار و پاییز مورد استفاده قرار می‌گیرد. درهای مشبک شبستان پاییزی با

شیشه های رنگی مزین شده است. سردر رفیع و زیبای آن با ۲۴ متر ارتفاع از دیگر ویژگی منحصر به فرد مسجد است. سبک معماری در ساخت این ایوان نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند و وجود طاق نماهای کم عرض در ۲ طرف طاق یا دهانه قوسی و وجود ۲ مناره زیبا بر بالای ایوان از دیگر ویژگی های مسجد جامع کبیر یزد است. اصیل ترین بخش های هنر معماری بی نظیر ایرانی در گچکاری، شبستان، صحن، گنبد، کاشی کاری و مناره های برافراشته آن جلوه گر است. زیباترین بخش این بنا را می توان مجموعه ایوان و گنبدخانه و فضای پیرامون آن نام برد. نمای ایوان بلند با مجموعه ای از زیباترین تزئینات کاشی معرق و نقوش اسلیمی و گیاهی همچنین گره چینی پوشانده شده است. تزئینات با آجرهای ضربی و نقوش معلقی و کتیبه های کاشی معرق و کوفی بنایی، مجموعه ای بدیع و خیره کننده آفریده که تحسین هر بیننده ای را برمی انگیزد. محراب اصلی یا محراب واقع در گنبدخانه، مزین به انواع کاشی معرق و کتیبه و آجر ضربی است و بر ۲ کاشی ستاره ای شکل منصوب در آن، نام استادکار و تاریخ ساخت محراب نقش بسته است. مسجد جامع یزد به شیوه یک ایوان در دل کویر و در طی حدود ۱۰۰ سال و در سه دوره ساخته شده است. پایه های اصلی مسجد را ساسانیان و بنای فعلی مسجد، از لحاظ شیوه معماری متعلق به دو دوره موسوم به آذری دانسته اند. بنای گنبد خانه متعلق به دوره ایلخانی و سر در رفیع مسجد را متعلق به زمان شاهرخ و دوره تیموری دانسته اند. این بنا از لحاظ خوابیدگی گنبد، سردر رفیع و بلند و همچنین کاشیکاری زیبا و منحصر بفرد، شهرت دارد.



شکل (۵): تزئینات و سمبولهای موجود در معماری مسجد کبیر یزد



شکل (۶): پلان مسجد جامع کبیر بزد، منبع/ www.beytoote.com

پیام معنوی هنر و معماری اسلامی:

مساجد و بناهای مذهبی در تاریخ معماری ایران همواره نقطه به اوج رسیدن هنر و معماری اسلامی بوده است. در معماری اسلامی ایران بدون شک جنبه های ساختمانی و نوآوری در فضاهایی مساجد و ایجاد فضایی تازه در سیر تاریخی خود از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. یک معماری ایران در عناصر معماری همچون قوس ها تاق بندی ها، گنبد و حتی مقرنس به عنوان یک تزئین حجمی و سه بعدی پیشنهاد شده و توانسته است این دستاوردهای به دیگر سرزمین های اسلامینشان دهد. مساجد محل تجلی مجموعه ای از هنرهایی است که مصداق مسلم هنر شهودی است به عبارت دیگر در مساجد تنها دین با هنر ملاقات می کند بلکه مهم ترین نموده های هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگیهای بارز آن است

تأثیر فضاها و تزئینات معماری

مسلمانان در محیطی که در آن قرار می گیرند بایستی احساس آسایش و آرامش نمایند همچنان که «محیط مسجد به علت سکونش از هر چیز گذرا و ناپایدار، ممتاز می شود» (براند ۱۳۷۷)

ارتباط انسان با محیط اطراف او تابعی است از مجموعه سیستم حواس چندگانه اش. احساس بشر از فضا ارتباط نزدیکی با دریافتهای و ادراکهای حسی او دارد که آنها در عکس العمل بسیار نزدیک با محیط اطراف او می باشد. بشر موجودی است دارای توانایی های حرکتی، بصری، دمایی و لمسی و غیره که در مواجهه با یک بنا ممکن است توسط محیط اطرافش مهار شده و یا تقویت گردد.

موضوع زیبایی شناسی نیز لذتی است که از برداشت دیداری، شنیداری، بویایی، لامسه ای محیط برای انسان حاصل می گردد از منظر زیباشناختی، فرم و نقش، ظاهر حسی و واضح یک شی است که خود در معرض درک و قضاوت بیننده قرار میدهد فرم و نقش دادن یعنی پردازش اشکال و احجام به گونه ای که با ایده طرح انطباق یابد بر اساس شکل پردازش صوری با توجه به فرم و نقش، وابسته به عوامل گوناگونی است.

جدول ۱: شاخصهای بصری تزئینات معماری

زیبایی: زیباشناختی تزئینات معماری صرفاً یک مبحث فلسفی تئوری و مبتنی بر فرضیه ها می باشند که از دیدن آثار به جای مانده حاصل شده است.
ایجاد فضاهای مثبت و منفی: تزئینات معماری در فضای مثبت و منفی با اهمیت است منظور از فضاهای منفی فضایی بیهوده و بحث نمی باشد بلکه این دو فضای مثبت روح و جسم مکما هم و حیاتشان نیز لازمه و ملزم یکدیگر است
قرینه سازی: معماری ایرانی از زیباشناسی آینه بهره می گیرد
بی زمانی: هنر اسلامی هیچگاه شامل زمان نمی شود یعنی کهنگی در هنر اسلامی وجود ندارد زمان برای صورتهای مادی است. وقتی هنر اسلامی از حالت ماده خارج میشود حالت معنوی و غیر مادی به خود می گیرد دیگر زمان روی آن تأثیر نمیگذارد تزئینات وابسته به معماری اعتبار جاودانگی دارد
تناسب و ترکیب: در تزئینات باید بین طرح و محل تناسب منطقی برقرار شود یعنی هر نقش و تزئین باید متناسب و دلنشین باشد
بافت: ایجاد بافتها با استفاده از مصالح گوناگون با تأثیر گذاری بیشتر روی تزئینات مورد توجه است
توازن: در مبحث تزئینات معماری اسلامی هیچ گاه نباید عناصری که برای تزئین بکار می روند بر سایر قسمتها سنگینی نماید و همواره تعادل و توازن باید در کل فضای معماری حاکم باشد
رنگ: توجه به عنصر به خصوص در تزئینات معماری اسلامی به مشهود است. رنگی ها در معماری اسلامی صورتی نمادین به خود گرفته اند.

نتیجه گیری

آثار و بناهای بر جای مانده از سلوک پیشینیان، کارآمدترین ابزار در بازخوانی مبانی معنوی و معرفتی معماری اسلامی است. معماری ایرانی حاصل نگاه معنوی نیاکان نیک اندیش ماست، از این رو هر آینه این آثار مورد بررسی دوباره قرار گیرد، می تواند راهگشای کشف مفاهیم مستور در کالبد آن شود. مفاهیمی که از آموزه های معنوی ایرانی و اسلامی برآمده و در قالب مادی گسترده شده اند. یکی از مهمترین آموزه های معماری اسلامی فنای فی الله است.

معمار ایرانی با گذشتن از تمایلات نفسانی، خود را از محدودیت خارج ساخته، فرامین الهی را جایگزین اراده خویش در تصمیم گیری نموده است. با گذشتن از نام و نشان خویش، به جای فرصت داده به سلاقی شخصی، آموزه های معنوی را در هنر خویش گسترانیده است. معمار ایرانی با ایمان راسخ به بزرگی خداوند سبحان، و بی مقداری هر آنچه غیر اوست، در کنار مردم و همراه آنها به معماری می پردازد. از این رو حاصل عمل بیش از آنکه به خواست معمار وابسته نباشد، به باورهای مردم و معنویت حاکم بر زندگی اجتماعی آنها حاکم بر زندگی اجتماعی آنها وابسته خواهد بود (پیرنیا، ۱۳۵۳).

پیوستگی میان هنرها زمینه ای است که می تواند اجزای گوناگون و متکثر جهان هستی را به وحدتی متعالی رهنمون گردد. در دوره طلایی معماری اسلامی ایران، این وحدت و هماهنگی در وضعیت آرمانی تبلور نداشته است. به عنوان مثال می توانیم به بنای مسجد شیخ لطف الله اصفهان اشاره نماییم. در این مسجد آنچه در نگارگری می یابیم همان است که در خطوط اسلیمی حاکم بر بنا می بینیم و آنچه در ظاهر بنادیده می شود، آن است که در دورن دیواره ها احساس می گردد. از همه اینها مهمتر آن است که آنچه در درون بنا مشاهده می گردد، همان است که بیرون بنا شاهد آن می باشیم. گویی استاد علی اکبر اصفهانی، استاد محمد شیرازی و کمال الدین بهزاد، در حقیقت یک نفرند که به مدد حکمت اسلامی، گونه گونی آنها به وحدت نهایی بنا انجامیده است.

وحدت میان هنرها از قالب تک تک ساختمانها نیز فراتر رفته، گویی در اصفهان صفوی همه یک و تنها یک چیز می گویند و آن شهادت به بزرگی باری تعالی است تمامی هنرها بر مبنای احترام به اصول معنوی مشترک، در حقیقت باطنی خویش، هم گون اند. چنانچه که سید حسین نصر می گوید: پیوند میان معنویت اسلامی و هنر در عرصه صفویه، در زمینه های هنری چون معماری، موسیقی، مینیاتور، و... کاملاً مشهود است.

این آموزه این روزها بیشتر مورد اهتمام اساتید دلسوز معماری ایرانی قرار گرفته است تا جایی که برخی از اساتید به منظور جبران نارسایی های موجود در آموزش معماری شاگردان خویش را به مکالمه با سایر رشته های هنری ترغیب می کنند. پیوستگی میان شعر، نقاشی، موسیقی، معماری و... به حدی که با تکیه بر آنها می توان، در فراگیری رازها و رمزهای حاکم بر جهان هستی توفیق بیشتری یافت.

معماری اسلامی ایران به مثابه کارآمدترین ابزار خلق فضا نه تنها می تواند راهگشای معماری جوان این سرزمین باشد بلکه به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی مردمان این سرزمین می تواند در تعریف ژرف ساخت های نظری یک معماری اسلامی پیشرو و مناسب برای نیازهای روزآمد، مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرد. بدیهی است که ترسیم افق های جدیدی برای معماری اسلامی ایران، تنها با تکیه بر اصل «حکمت» به مثابه پیشروترین اصل معماری اسلامی، امکان پذیر خواهد بود. اصل حکمت جوهره اصلی تعریف معماری اسلامی است هر آینه می تواند به عنوان محک و سنجش درستی مسیر و راهبردهای انتخاب شده برای معماری معاصر، به کار گرفته شود. گنبد به عنوان یکی از اندام اصلی و عنصری مهم در معماری مساجد، ابعاد گوناگونی دارد که حتی به صورت گذرا هم شاید نتوان حق مطلب را به درستی در یک نوشتار کوتاه ادا کرد. از طرف دیگر کنکاش های پیرامون آن در صورتی که در جستجوی پی بردن به انگیزه تلاش و منشاء بروز خلاقیتها در آثار گذشتگان منتهی شود چشم اندازی وسیع و قله های رفیعی را جلوه گر می سازد که تداوم راه را باره توشه ای گرانبه همراه می سازد. در این مقاله مختصر به طور اجمالی اشاره شد که ایران نه تنها منشأ پیدایش گنبد بوده است، بلکه گنبد های ایرانی وجوه تمایز شایان توجهی در مقایسه با گنبد های ساخته شده در سرزمین های دیگر داشته است. در مورد تعیین مدبرانه شکل های متنوع گنبد به اختصار توضیح داده شد و نیز با استناد به تناسبات و سیستم های سازه ای گنبد های تاریخی تعمق و حکمت سازندگان آنها

مورد تاکید قرار گرفت، به نحوی که تسری ویژگی‌های ذاتی گنبد به سازه‌های پوسته‌ای بتنی معاصر، هنوز جولانگه ابداعات پیشینیان ایرانی است. در بررسی ریشه گنبد در مساجد به این نکته می‌رسیم که فرم گنبد پیشتر در معماری ایران قبل از اسلام استفاده می‌شده است و ببه دلیل هماهنگی با مفاهیم و اصول اسلام و پاسخگویی به مبانی نظری و فلسفه معماری اسلامی در آن ماندگار شده است. حال آنکه این شاخص شدن و نشانه شدن در مورد فرمهای دیگر و جایگزین گنبد نیز می‌تواند صادق باشد و وظیفه معمار امروزی کشف این گونه فرم‌ها و کالبد‌ها و نشانه کردن و شاخص کردن و هویت دادن به آنها است.

منابع:

- اعوانی غلامرضا، ۱۳۵۷، حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی غلامرضا اعوانی؛ گردآوری، تهران: انتشارات کروس،
- بمانیان محمد رضا، سیلوایه سونیا (۱۳۹۰) بررسی نقش گنبد در شکل دهی به مرکزیت معماری مسجد، معماری و شهرسازی آرمان شهر شماره ۹
- پیرنیا، ۱۳۶۹، شیوه‌های معماری ایران، موسسه نشرهنر، تهران،
- رهنورد، حکمت هنر اسلامی، ۱۳۸۹، انتشارات سمت، تهران، ص ۲۳
- محمدی سحر، بمانیان محمد رضا (۱۳۹۳) بررسی جایگاه گنبد در الگوی کالبدی مساجد معاصر، نقش جهان شماره ۳
- مهدوی نژاد محمد جواد (۱۳۸۳) حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا شماره ۱۹
- اعوانی غلامرضا، ۱۳۵۷، حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی غلامرضا اعوانی؛ گردآوری، تهران: انتشارات کروس،
- مهدوی نژاد، محمد جواد، حکمت معماری اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، پاییز ۸۳